روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

یکشنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۱ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۴۶۵

تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال آفرین

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
میوه شتابزدگی، لغزش است.

■ اذان ظهر: ۱۳:۰۸ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۲۷
■ اذان مغرب: ۱۹:۴۶ ■ نیمه شب شرعی: ۰۰:۲۴
■ اذان صبح: ۵:۲۱ ■ طلوع آفتاب: ۶:۴۷

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: عبدالله گنجی
■ سردبیر: دانیال معمار

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه تورج، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۵۴۴۶/۱۹۳۹۵
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

توزیع و اشتراک:
موسسه نشر گستر امروز نوین
■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

سازمان آگهی‌ها و نیازمندی‌ها:
■ خیابان قائم‌مقام فراهانی، میدان شعاع، خیابان شهید خدری شماره ۲۹ - طبقه اول ■ تلفن: ۸۸۸۶۱۸۱۹-۸۴۳۲۱۷۰۰

صفحه آخر

منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن
منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن
حافظ

گرینویچ

دستگیری قاضی دله‌دزد

استکهلم: یک قاضی دادگاه‌های سوئد به اتهام سرقت ژامبون و کوفته از یک فروشگاه محکوم شد. به گزارش دیلی‌میل، این قاضی زن ۶۷ساله به پرداخت جریمه‌ای معادل ۵۰هزار کرون(تقریبا معادل ۴۸۰۰ یورو) محکوم شد و با وجود این هنوز مشخص نیست انگیزه‌اش از این سرقت چه بوده است. البته ماجرای سرقت این قاضی به همین‌جا ختم نشد، او چند جرم ثابت نشده برای دادگاه عالی سوئد هم دارد. برای نمونه، افزون بر سرقت کوفته و ژامبون، او تلاش کرده بود سوسیس و پنیر را که در یک کیسه خرید بافته شده پنهان شده بود، بدزدد. پس از افشای این دزدی، قاضی ۶۷ساله مجبور شد از شغل خود استعفا دهد. این قاضی زن بیش از ۲دهه در دیوان‌عالی سوئد خدمت کرده بود. فقط ۱۶قاضی در این ۲دهه در این دیوان مشغول به‌کار بوده‌اند. حالا با این اتفاق بسیاری از فعالان اجتماعی در سوئد موج های انتقادی علیه دستگاه قضایی در این کشور به راه انداخته اند و خواهان بررسی صلاحیت قضات شده اند.

سرقتی که از فضا پیداست

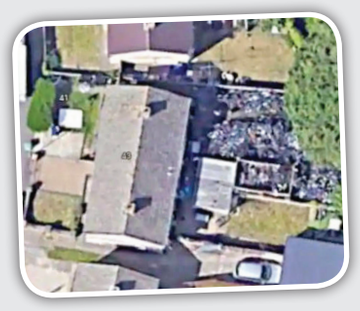

آکسفوردشایر: معمولا آنچه از عکس‌های فضایی ناسا و گوگل‌ارث مشخص است پدیده‌های شگفتی مانند دیوار چین یا اهرام مصر است اما به تازگی عکسی هوایی از گوگل‌ارث محوطه‌ای از هزاران دوچرخه سرقت شده توسط یک مرد بریتانیایی را نشان می‌دهد که در نوع خود کم‌نظیر است. به گزارش آدیتی‌سنترال، ماجرا هنگامی برای پلیس جالب شد که همسایه‌های این مرد از رفت‌وآمد موش‌ها به حیاط بزرگ خانه او شکایت کردند. سپس جست‌وجویی ساده با عکس‌های هوایی نشان داد که حیاط این خانه محل نگهداری دوچرخه‌های پرشماری است که تنها توجیه آن می‌تواند این باشد که صاحبخانه چند صد فرزند خردسال دارد اما به‌طور حتم پلیس چنین باوری نداشت و بنابراین سراغ این مرد رفت. در نهایت مشخص شد صاحبخانه به دزدی دوچرخه اعتیاد دارد.

بازگشت گوشی غیرهوشمند

لندن: پس از بازگشت مدل مشهور ۳۳۱۰گوشی تلفن همراه در سال ۲۰۱۷ میلادی کسی فکرش را هم نمی‌کرد بخشی از کاربرها به استفاده از گوشی‌های غیرهوشمند روی آورند. اما افزایش تقاضا برای این گوشی‌ها نشان می‌دهد برخی می‌خواهند خود را از زنجیری که گوشی‌های هوشمند بر گردن آنها انداخته رها کنند. به گزارش بی‌بی‌سی، افزایش تقاضا برای گوشی‌های غیرهوشمند برای نمونه در انگلستان باعث شده اکنون از هر ۱۰مالک تلفن همراه یک نفر گوشی غیرهوشمند داشته باشد؛ آماری که تا پیش از سال ۲۰۱۷ میلادی بسیار پایین‌تر از این بود. ۵سال پیش، شمک اولنیچاک که روانشناس است، گوشی هوشمند خود را با یک نوکیا ۳۳۱۰ عوض کرد؛ در ابتدا او این کار را برای عمر بیشتر باتری انجام داد؛ با این حال، متوجه مزایای دیگر آن هم شد. او می‌گوید: «قبلا همیشه همه‌چیز را چک می‌کردم، یا در فیسبوک بودم یا اخبار یا مطالب دیگری را مرور می‌کردم که نیازی به دانستنشان نداشتم. هم‌اکنون وقت بیشتری برای خودم و خانواده‌ام دارم. یک مزیت بزرگ این است که دیگر اعتیاد به پسند(لایک) کردن، به اشتراک گذاشتن، نظر دادن یا توصیف زندگی‌ام برای دیگران ندارم. حالا حریم خصوصی بیشتری دارم.»

بازگشت بومرنگ پلاستیک

نگاه

حدود یک قرن است که بشر با تولید پلاستیک بی‌هیچ دغدغه دندان‌گیری آن را پس از یک یا چندبار مصرف دور می‌اندازد. اگر فرض کنیم که با آن بومرنگی چند میلیون تنی ساخته‌ایم و به سمت طبیعت پرتابش کرده‌ایم، خبر بد این است که این بومرنگ حالا بازگشته و چه بدانیم و چه ندانیم اتفاقا به سلامتی خودمان برخورد کرده است. درست در آغاز قرن جدید دانشمندان ریزپلاستیک‌ها را در خون مبدع پلاستیک یعنی بشر کشف کردند؛ پلاستیک‌هایی که چند دهه خرد و ریز شده و به‌قدری کوچک شده‌اند که ابتدا به بدن آبزیان راه یافته و سپس سر از خون انسان درآورده‌اند. به گزارش ایندیپندنت، پژوهشی که در دانشگاه وری آمستردام نتایج آن اعلام شد، نشان داد در خون ۷۷درصد از جامعه آماری آن ذرات پلاستیک وجود داشت. برای نمونه پلاستیک پی‌ئی‌تی که بیشتر برای تولید بطری‌های نوشیدنی، بسته‌بندی موادغذایی و لباس استفاده می‌شود، فراوان‌ترین شکل پلاستیک در جریان خون انسان بود. نویسندگان این پژوهش گفتند که ذرات پلاستیک از هوا و همینطور از راه غذا و نوشیدنی وارد بدن می‌شوند.

دیک وتاک، استاد بوم آلاینده‌شناسی و کیفیت سلامت آب در دانشگاه وری در آمستردام هلند به ایندیپندنت گفت که این یافته‌ها «قطعا نگران کننده‌اند؛ چون نشان می‌دهند افراد ظاهرا آن‌قدر پلاستیک می‌خورند یا استنشاق می‌کنند که می‌توان آن را در جریان خونشان پیدا کرد.» او افزود: «چنین ذراتی ممکن است باعث التهاب مزمن شوند.» همچنین بعد از پی‌ئی‌تی، پلی‌استایرن که برای تولید طیف وسیعی از محصولات خانگی استفاده می‌شود، عمده‌ترین پلاستیک یافت‌شده در نمونه‌های خونی بود. این مطالعه به سفارش یک گروه فشار به نام «دریاهای مشترک» انجام شد که پایان دادن به حجم عظیم زباله پلاستیکی را که روانه اقیانوس‌های جهان می‌شود، خواستار است.

جو رویل، مدیر اجرایی این سازمان، گفت: «این یافته‌ها فوق‌العاده نگران کننده‌اند. ما داریم پلاستیک می‌خوریم، می‌نوشیم و تنفس می‌کنیم. در عمق ژرفنای اقیانوسی و نوک قله اورست هم [پلاستیک] هست و با این حال، تولید پلاستیک تا سال ۲۰۴۰ دوبرابر خواهد شد.»

اول آخر

فروردین و رمضان، بهار است و بهار... امامزاده صالح تهران - عکس: همشهری/ منا عادل

تقویم/سالروز

داستانی که پایانی نداشت

نادر ابراهیمی در ۱۴فروردین ۱۳۱۵ در تهران به دنیا آمد. نوشتن را از ۱۶سالگی آغاز کرد و در سال ۱۳۴۲ نخستین کتاب خود را با عنوان «خانه‌ای برای شب» به چاپ رساند. علاوه بر صدها مقاله تحقیقی و نقد، بیش از ۱۰۰ کتاب از او چاپ و منتشر شده است که شامل داستان بلند (رمان) و کوتاه، کتاب کودک و نوجوان، نمایشنامه، فیلمنامه و پژوهش در زمینه‌های گوناگون است. نادر ابراهیمی به‌معنای واقعی کلمه، یک مرد همه فن حریف بود. آنقدر در مشاغل متعدد و متفاوت فعالیت داشت که نمی‌توان همه آنها را در قالب فهرستی به تفکیک توضیح داد. او کارهای سخت و دشواری مانند کارگری در یک چاپخانه یا کشاورزی یا کارهای فرهنگی چون مترجمی و ویراستاری، فیلمسازی مستند، خطاطی و نقاشی را نیز تجربه کرده است. ابراهیمی که از زندگی پرماجرایش لذت می‌برد، تصمیم گرفت زندگینامه خود را روایت کند. ۲ کتاب «ابن مشغله» و «ابوالمشاغل» شرح کاملی از زندگی و فعالیت‌های اوست. با این حال اغلب ما او را با کتاب‌ها و روایت‌های شاعرانه‌اش می‌شناسیم؛ آثاری سرشار از سادگی و صمیمیت، با نثری جذاب و پرشور. او در گفت‌وگویی با فصلنامه ادبیات داستانی در سال ۷۴گفته بود: «داستان‌های من پایان ندارد؛ برای اینکه پایان بی‌معنی است. پایانی وجود ندارد. داستان نباید پایان داشته باشد. ادبیات داستانی یک پایه استوار اعتبارش در این است که در وجود مخاطب ادامه پیدا کند. ارزش مجنون در این است که همچنان عاشق بماند و در میان ما باشد. تمام شکوه و عظمت شخصیت‌های داستایوفسکی در این است که باز در خیابان‌های سراسر جهان راه بروند و نقشه قتل رباخواران را بکشند.»

نادر ابراهیمی در ۷۲سالگی پس از چندین سال دست‌وپنجه نرم کردن با بیماری ۱۶خرداد ۱۳۸۷ درگذشت ولی برای همیشه در ذهن و قلب مخاطبانش زنده ماند.

فرهنگ و زندگی

پدرِ «مادر» رفت

حمیدرضا محمّدی

بعضی برندها، برخی نام‌ها، شماری از آدم‌ها، مشمول مرور دهور نمی‌شوند. هرچه مترتب گذر زمان می‌شوند، گویی ماندگارتر می‌شوند. هرچه نسل‌های بیشتری را با خود همراه می‌کنند، خاطره‌سازتر می‌شوند و می‌شود با آنها خاطره‌بازی کرد.

«بیسکوئیت مادر» از این جنس است. از سال ۱۳۳۵، یعنی درست ۶۶سال. بیسکوئیت خوش‌طعمِ کوچک ۷۰گرمی که روی بسته‌بندی‌هایش، «مِهر مادر، شِیر مادر، بیسکوئیت مادر» و روی خود بیسکوئیت، واژه «مادر» نقش بسته بود و در آغاز، با این تعریف که «بیسکوئیت مادر به‌دلیل داشتن ترکیب و مواداولیه‌ای مثل جوانه گندم، عصاره مالت، شیر، تخم مرغ، پروتئین‌های لازم و ویتامین‌های محلول در چربی مثل K-E-D-A میان‌وعده‌ای مناسب برای کودکان به‌شمار می‌آید؛ بنابراین از ۶ماهگی امکان خوردن بیسکوئیت مادر وجود دارد، زیرا مراحل پخت کامل بیسکوئیت مادر باعث می‌شود تا بیسکوئیت به راحتی قابل هضم باشد. همچنین به‌دلیل افزودن مقدار مشخصی املاح ضروری مثل کلسیم، احتمال نفخ و ترش کردن معده کودک کم است» و حتی شعار مشهورش این بود؛ «بیسکوئیت مادر باید به‌راحتی با دندان شکسته شود و با آب دهان نرم شود» و چنین هم بود؛ بچه‌ها که هیچ، بزرگ‌ترها که شیفته خوشمزگی و خوش‌خوراکی‌اش شده بودند و در کنار چای یا قهوه‌شان جای داشت. بیسکوئیت مادر، اما محصول ابتکار عمل برادران تهرانچی، رضا و مسعود بود که در سال ۱۳۳۲، کارگاه بیسکوئیت‌پزی‌شان را در محله امیریه تهران ایجاد کردند. رضا در دانشگاه تهران، دندانپزشکی خوانده و در سال ۱۳۲۷، وقتی ۲۵سال داشت، فارغ‌التحصیل شده و حتی مطبش را در حوالی چهارراه مختاری (شاپور قدیم) راه‌انداخته بود اما علاقه‌مند شد تا بیسکوئیتی که یک متخصص تغذیه آمریکایی به نام دکتر هاورز در کتابش معرفی کرده، در ایران رواج دهد. در آن زمان، هنوز پای بیسکوئیت به ایران باز نشده بود. این دوبرادرِ اهل کاشان، تولیدات‌شان را در قنادی‌های اطراف به فروش می‌رساندند که پایه و مایه اصلی‌اش، جوانه گندم و مِلاس سیاه بود.

اما به ۳سال هم نرسید؛ وام ۳۰هزار تومانی گرفتند و زمینی در جاده کرج خریدند تا با وارد کردن دستگاه‌های بیسکوئیت‌سازی از آلمان و انگلیس، کارگاه را به کارخانه تبدیل کرده و تولید صنعتی و مکانیزه را آغاز کنند. اینگونه نخستین تولیدکننده بیسکوئیت در ایران لقب گرفتند. افزون بر این، در همان نیمه دهه ۳۰، نان صنعتی را هم در ایران پدید آوردند و نان سوخاری را به سفره مردم وارد کردند. آنها اما یک نخستین دیگر نیز به کارنامه خود افزودند؛ بهترین زمان مصرف را روی محصولات خود حک کردند و متعاقب آن، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران را نیز اقناع کردند تا درج تاریخ تولید و مصرف روی بسته‌های بیسکوئیت در شمار ضوابط استاندارد محصولات غذایی قرار گیرد. در اسفند ۱۳۹۹ در پنجمین دوره جایزه امین‌الضرب که اتاق بازرگانی تهران متولی آن است، به پاسداشت یک عمر فعالیت اقتصادی و کارآفرینی رضا تهرانچی مورد تقدیر قرار گرفت. او ششم فروردین ماه امسال، دور از خانه و در ۹۹سالگی درگذشت.

میراث من

بازدیدها و چالش‌ها

ساراکریمان

نوروز ۱۴۰۱ رشد ۲۰۰درصدی بازدید از موزه‌ها و اماکن تاریخی را به همراه داشت. وضعیتی که پس از ۲ سال فراگیری و فروکش کردن بیماری کووید ۱۹ تا حدودی قابل پیش‌بینی بود. نوروز۱۳۹۹ با تعطیلی و قرنطینه تمامی فضاهای فرهنگی و عمومی و نوروز ۱۴۰۰ علی‌رغم گشایش موزه‌ها و اماکن تاریخی، به‌دلیل پرهیزهای فردی، بی‌نشان از حضور و میزان بالای بازدید افراد بود. در این رشد چشمگیر بازدیدهای امسال تناقضی آشکار است که جدال بر سر چگونگی و چرایی بازدید از موزه‌ها و فضاهای فرهنگی را به چالش می‌کشد. طبیعتا با فروکش کردن کرونا، فضای محزون و آسیب‌دیده جامعه مرهمی برای بازیابی توان و نشاط خویش نیاز دارد، ذاتا نوروز و بهار این زایش را با خود به همراه دارد، شروع مجدد سفرها و گشت‌وگذارها، راهکاری برای مرهم نهادن بر دشواری‌هایی‌است که جامعه در ۲ سال گذشته پشت سر نهاده است. اما هنگامی که صحبت از موزه به میان می‌آید، مولفه‌های متعددی از قبیل حفاظت و نگهداری قد علم می‌کنند. موزه اساسا دارای ویژگی‌های سیالی است که منطبق با شرایط زمانی و بومی هر یک می‌توانند بر دیگری پیشی بگیرند. بدیهی است تفنن و تفرج یکی از کارکردهای موزه‌هاست، به‌علاوه اینکه موزه‌ها امروزه بیش از پیش بر رسالت‌های اجتماعی خود تأکید دارند و همواره باید در پی یافتن پاسخی نسبت به احوالات و نوسانات جامعه باشند. کمیت نفرات بازدید همواره یکی از شاخص‌های موفقیت عملکرد موزه‌هاست که به‌تبع آن مجموعه‌ای از ساختارها به‌دست می‌آید. اما حقیقتا بازدیدهای چندهزار نفره می‌تواند دلالتی بر شادی‌آفرینی یا آموزش و ارتقای فرهنگی باشد؟ پاسخ این سؤال به نیمی از ماهیت موزه ارتباط پیدا می‌کند. موزه ۲ وجه ساختار و رفتار دارد. ساختار از انعطاف کمتری برخوردار است و در مواردی مانند بالا(جمعیت بسیار زیاد بازدیدکننده در یک بازه زمانی کوتاه) وارد فاز بحران می‌شود اما رفتار که خود مجموعه‌ای از پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌هاست، در اینگونه موارد به مدد موزه آمده و در خدمت بازدیدکننده قرار می‌گیرد. برگزاری برنامه‌های متناسب و با کیفیت فرهنگی و هنری چنانچه با درک شرایط و مخاطب‌شناسی همراه باشد و در عین حال چارچوب‌های کسالت بار و تکراری را کنار بگذارد پاسخی به نیازهای موزه و مخاطب خواهد داد.

دغدغه

سخت نگیر...

فاطمه عباسی

ایرانی‌ها از جمله اقوامی هستند که در میان کشورهای دنیا به مهمان‌نوازی شهرت دارند. در گذشته هم یکی از مهم‌ترین سرگرمی‌های خانواده‌های ایرانی دید و بازدید از اقوام و آشنایان بود اما امروزه دید و بازدیدهای اقوام و دوستان و آشنایان در مقایسه با گذشته کمرنگ‌تر شده و گاهی این دیدارها به دید و بازدیدهای نوروزی محدود شده است. ضمن اینکه سرگرمی‌های دیگری جایگزین این سنت دیرینه شده و به همین علت به ندرت همه افراد خانواده و خویشاوندان در یک مهمانی بزرگ دور هم جمع می‌شوند و تازه اگر ردپایی از این مهمانی‌های خانوادگی وجود داشته باشد، اغلب بزرگ‌ترهای خانواده میزبان این مهمانی بزرگ هستند که همچنان به سنت‌های قدیمی و کهن پایبند هستند. جوان‌ترها حالا ماندن در خانه پای تلویزیون و دیدن برنامه «مهمانی» ایرج طهماسب و «دورهمی» مهران مدیری را به مهمانی رفتن و دورهم جمع شدن و دید و بازدید ترجیح می‌دهند. شاید یکی از علت‌های دوری ما از مهمانی‌ها(البته اگر کرونا را فاکتور بگیریم) این باشد که دیگر مانند سابق کسی قابلمه غذای خودش را به مهمانی نمی‌برد و وضعیت اقتصادی اجازه برگزاری مهمانی شام یا ناهار را به جوان‌ترها نمی‌دهد. اما این دو سال کرونایی به ما ثابت کرد که دورشدن از یکدیگر چقدر می‌تواند روی سلامت روانمان تأثیر بگذارد و بیماری‌هایی مانند افسردگی را به همراه بیاورد. شاید چاره‌اش این باشد که تجملات را کنار بگذاریم و مثل قدیم همه‌چیز را ساده برگزار کنیم.

امروز، ۳آوریل، روز جهانی مهمانی است. شاید بد نباشد برای حفظ عنوان «کشور مهمان‌نواز» و برای حفظ روحیه خودمان، مهمانی رفتن و مهمانی گرفتن را از زندگی‌مان حذف نکنیم و دیدن دوست و آشنا را به سرگرمی‌های دیگر ترجیح دهیم.

باشگاه نویسندگان

یکشنبه

«سال ما، تحویل شما»

سیداحمد بطحایی
داستان نویس

ما، دقیق‌تر بگویم خیلی از ما توی زیستمان، لای سلوک و در حوالی سبک زندگی‌مان، برای تغییر و عوض کردن قاعده بازی یک استارت و شروع می‌گذاریم؛ یک «از فردا» و «بگذار شنبه بشه» و «از این هفته قول می‌دم.» انگاری بی‌شروع درست و اُس و قُس‌دار ادامه مسیر، میسر نیست و پایانش نافرجام. برای شروع هم دوست داریم یا لااقل ترجیح می‌دهیم یک ابتدای شناسنامه‌دار توی پریز باشد، با تاریخ تولد و پدر و مادردار؛ یک شروعی که به حرمت آن هم که شده در سنگلاخ مسیر کمتر غر بزنیم، گله کنیم و سفت و جان‌دارتر جاده را جلو برویم. ابتدای سال و بهار هم برای خیلی از ما همین شروع است. می‌گوییم یک سال هرچه کردیم و رفتیم و شدیم را به باد بسپاریم و از اول امسال اینجا نروم، آن کار را انجام دهم، فلان چیز را نکشم و نخورم و بسیار حرف نزنم، بیشتر بخوانم و بخندم و فکر کنم. چارت نصب شده روی دیوارمان را آپدیت می‌کنیم. خوب‌ها و بدهاش را تر و تمیزتر می‌کنیم برای سال جدید؛ برای از اول ۱۴۰۱. می‌گوییم این شاخه خشک اینطور دلبر شد، این زمین سفت و سمباده‌ای چنین سبز و سامان شد، من هم زنده می‌شوم و می‌زایم خود تازه‌ام را. حالا این داستان بهار طبیعت و شکوفه و گل و بلبل را بگذارید کنار رمضان. همین بغل، در وسط این آجیل و شیرینی‌ها، خدا هم برداشته یک مهمانی گرفته و گفته: آی آدما این شما و این بهار دل‌ها! برداشته بهار خودش را در بند و بساط تقویم ماه و خورشیدی انداخته لای عطر اقاقی‌ها و نسیم خنک دم صبح و شکوفه یاس‌های توی کوچه. کی گفته بود خدا و خرما را نمی‌شود جمع کرد؟ اصلا ما اینجا همه را با هم جمع کردیم. این دو بهار را در هم ترکیب کردیم و نتیجه‌اش نور است بر نور. علی‌نور و حالا ما امروز را که یک جورایی نخستین روز کاری سال است در بهار دیگری شروع می‌کنیم. انگاری در ضیافتی ۲میزبان داری که هر دو در لطف و محبت به تو از هم سبقت می‌گیرند. هم طبیعت و بیرون عالم را گل‌ها گرفته‌اند و هم درون و روح جهان را عطر رمضان. رایحه خوشی که قرار است بهترین شروع برای ما باشد. یک «از فردا» و «دیگه وقتشه» ای که شاید قشنگ‌تر از آن نتوان پیدا کرد و توی این جشن و جوشش نور، وقتش هست از خالق بهار و خدای رمضان بخواهیم: ای دوست، رفیق، مونس، باحال بی‌همتا، در این ماه و سال یک نسخه آپدیت‌شده و بی‌باگ و مشکل از ما بساز که سالمان تحویل توست و در دستانت، پس تغییرش بده به بهترین حال و سال.

امروز با سواد بودن چه معنایی دارد؟

سیدجواد رسولی
کارشناس رسانه

با سواد بودن در فرهنگ ما همیشه ارزشی مثبت و مهم به‌شمار آمده است. به‌خصوص این صفت برای مدیران و تصمیم‌گیران کشور دارای اهمیت بالاست. مدیران و مسئولان باید باسواد باشند تا بتوانند مسائل کشور را درست تشخیص بدهند، از کارشناسان مناسب کمک بگیرند و راه‌حل‌های دقیق و کارآمد برای آن مسائل بیابند. اما تعریفی که امروز برای داشتن سواد داریم با گذشته بسیار متفاوت است. امروز سواد داشتن فقط به‌معنای توانایی خواندن و نوشتن به زبان فارسی و داشتن یک مدرک تحصیلی از دانشگاه نیست. این چیزها ممکن بود تا ۲۰ سال پیش همچنان کار را راه می‌انداختند اما امروز برای کسی که در جایگاه تصمیم‌سازی و به‌خصوص تصمیم‌گیری برای مردم نشسته است به هیچ‌وجه کافی نیست. امروز برای باسواد بودن فرد نیاز دارد عقلانیت و مهارت ارتباطی را در سطحی بالا داشته باشد. برای مجهز بودن به مهارت و عقلانیت ارتباطی نیز ۲چیز بسیار ضروری است. اول دانستن حداقل ۲ زبان دیگر به‌جز زبان فارسی. این دو زبان در مورد کشور ما قاعدتا انگلیسی و عربی است. دلیلش نیز روشن است. زبان انگلیسی ما را به آنچه به‌صورت عمومی در جهان می‌گذرد متصل می‌کند چرا که امروز زبان تثبیت شده دانشگاهی، سیاسی، اقتصادی و مالی جهان انگلیسی است. بدون دانستن این زبان ما در جهان دچار لکنت هستیم. نمی‌توانیم دیگران را به خوبی درک کنیم و نمی‌توانیم آنچه داریم (و البته که ما به‌خصوص در فضای فرهنگی بسیار چیزها داریم و دستمان پر است) را برای دیگران عرضه کنیم. وقتی ارتباط به این شکل مختل باشد اسباب سوءتفاهم با دیگران از یک سو و سوءاستفاده کشورهای رقیب یا دشمنان به راحتی فراهم می‌شود. از سوی دیگر زبان عربی ما را به ملت‌ها و کشورهای اطرافمان متصل می‌کند. می‌توانیم با آنها تعامل کنیم و این تعامل به‌دلیل داشتن فرهنگ و تاریخ مشترک با همسایگان اسباب نزدیکی و دوستی و همکاری می‌شود. روزانه اتفاق‌های بسیار زیادی در منطقه می‌افتد و کاربران در فضای مجازی به این اتفاقات واکنش نشان می‌دهند. اتصال به این جریان تولید محتوای روزانه و دنبال کردن آنها ما را در فهم جامعه‌هایی مشابه‌خودمان، می‌خواهد در شمال آفریقا باشد یا در جنوب خلیج‌فارس، توانمند می‌کند. اما این برای یک مدیر با سواد امروز ایرانی کافی نیست. دومین مولفه عقلانیت ارتباطی در چنین فردی مجهز بودن به دانشی حداقلی از فناوری دیجیتال است. قاعدتا منظورم این نیست که او بلد باشد کد پایتون بنویسد، اما لازم است بلد باشد برای خودش ای‌میل درست کند، ای‌میل‌هایش را بخواند و پاسخ بدهد، بلد باشد در شبکه‌های اجتماعی برای خودش حساب کاربری بسازد، با دیگران تعامل کند، با ادبیات تولید شده در این شبکه‌ها آشنا باشد و تا حدی از راهبردهای جریان‌سازی و تولید محتوای آنلاین در جهان دیجیتال سر در بیاورد. بله، امروز نوجوان‌های سیزده چهارده ساله هم اینها را و بسیار بیشتر از اینها را بلدند و به‌کار می‌برند. اما نکته اینجاست که مدیران و تصمیم‌گیران ما همچنان به نسلی تعلق دارند که در مقابل این نوع جدید سواد مقاومت می‌کند. در نخستین روزهای سال جدید بیایید آرزو کنیم مدیران و مسئولان ایرانی که سرنوشت میلیون‌ها ایرانی را با تصمیمات خود به‌دست دارند، حداقل مسئولانی باسواد باشند یا اگر نیستند به فقدان سوادشان آگاه شوند و به‌دنبال یاد گرفتن باشند.

اذْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُم

دعای روز اول ماه مبارک رمضان

بسم‌الله الرحمن الرحیم

اللهمَ اجْعَلْ صِیامی فیه صِیامَ الصّائمینَ و قیامی فیه قیامَ القائمینَ و نَبِّهْنی فیه عن نَوْمَهِ الغافِلینَ و هَبْ لی جُرمی فیهِ یا الهَ العالَمینَ واعْفُ عَنّی یا عافیاً عنِ المجْرمینَ.

به نام خداوند بخشنده مهربان

خدایا قرار بده روزه مرا در آن روزه‌داران واقعی و قیام و عبادتم در آن قیام شب‌زنده‌داران و بیدارم فرما در آن از خواب بی‌خبران و ببخش به من گناهم را در این روز، ای معبود جهانیان و درگذر از من ای بخشنده گناهکاران.